بسم الله الرحمن الرحیم

از جمله مظلوم‌نمایی‌های اسلام‌ستیزان، این ادعاست که قرآن آنان را سگ، خوک، حرام‌زاده، فاسق و ... خطاب کرده است!! در این مقاله تک تک ادعاها و تحریف‌هایشان روشن و آشکار خواهد شد و پی می‌بریم که اصل ماجرا چیست ...

- ✓ کافران گستاخ، خشن، زنازاده و بی‌اصل‌ونسب هستند. سوره قلم آیه ۱۳

پاسخ: یکی از دوستان ما پاسخ کاملی به این شبهه داده‌اند، به اینجا رجوع کنید:

شبهه: فحش و دشنام در قرآن؛ کافران حرام زاده اند!

- ✓ آف (تف) بر شما و بر آنچه غیر از الله می پرستید مگر نمی اندیشید. سوره انبیاء آیه ۶۷

پاسخ: ابتدا متن و ترجمه‌ی آیه را ببینیم:

«أف لکم ولما تعبدون من دون الله أفلا تعقلون» [۱]

یعنی: وای بر شما! و وای برچیزهایی که به جای خدا می‌پرستید! آیا نمی‌فهمید (که از این مجسمه‌ها و تندیس‌ها کاری ساخته نیست و شایسته‌ی پرستش نیستند؟)

می‌بینیم که «أف» ما و «آف» جناب شبهه‌پرداز، چنان‌چه خود ترجمه کرده است، به معنی «تف» نمی‌باشد و مشخص نیست که ایشان این معنا را از کجا آورده و به‌کار بسته‌اند!! «أف» در زبان عربی کلمه‌ای است که به هنگام کراهت، انزجار و بیزار بودن به‌کار می‌رود. الله متعال می‌فرماید: «...وبالوالدین إحسانا إما یبلغن عندک الکبر أحدهما أو کلاهما فلا تقل لهما أف...» [۲]

یعنی: و به پدر و مادر نیکی کنید، هرگاه یکی از آن دو، و یا هر دوی ایشان نزد تو به سن پیری برسند، (حتی) اف به آنان مگو!

و در معنای أف گفته‌اند: «أف صوت إذا صوت به علم أن صاحبه متضجر» [۳]

یعنی: اف صدایی که هنگامی که شنیده شود، فهمیده می‌شود که صاحب صدا شکوه دارد.

بنابراین معنای أف را فهمیدیم و معنی صحیح آیه آشکار گشت.

- ✓ چه شده که از این پند اعراض می‌کنند؟ مانند خران وحشی که از شیر می‌گریزند. سوره مدثر آیه ۴۹–۵۰

پاسخ: در ادبیات هر زبانی، آرایه‌های ادبی وجود دارد که اسباب بلاغت و زیبا شدن یک متن یا شعر را فراهم می‌کنند. یکی از این آرایه‌ها، تشبیه است.

هر تشبیه چهار رکن دارد: مشبه - مشبه به - ادات تشبیه - وجه شبه
در تعریف وجه شبه گفته‌اند: «وهو المعنی الجامع الذی یشترک فیه الطرفان» [۴]
یعنی: معنی جامعی که در آن دو طرف مشترک هستند.

زمانی که می‌گوییم «زید مانند شیر است»، منظور ما این نیست که زید شیر است!! بلکه وجه شبه در اینجا شجاعت است، و تنها موردی که مد نظر داریم شجاعت زید می‌باشد، و هیچ عاقلی در اینجا نمی‌گوید که چرا زید را به حیوان تشبیه می‌کنید!!

خداوند در آیه‌ی بعدی می‌فرماید: «فرت من قسورة» [۵]
یعنی: گورخرانی که از شیر گریخته و رمیده باشند.
بنابراین وجه شبه در اینجا «به سرعت گریختن» است، چنان‌چه کافران از خواندن و فهمیدن آیات قرآن فرار می‌کنند و از آن گریزان هستند!

البته در ادبیات فارسی نیز امثال این موارد فراوانند! برای مثال مولانا می‌گوید:
*جان ما همچون سگان کوی او خون‌خوار شد *** آفرین‌ها صد هزاران بر سگ خون‌خوار ما*

همچنین سعدی می‌گوید:
*مثال اسب الاغند مردم سفری *** نه چشم‌بسته و سرگشته هم‌چو گاو عصار*
پس این شبهه نیز مردود و بی‌اساس میباشد.

- ✓ بدترین جانوران نزد الله، کسانی هستند که کافر شدند و ایمان هم نخواهند آورد. سوره انفال آیه ۵۵

پاسخ: هر چه این آیه را با ترجمه و تفاسیر مختلف خواندم، متوجه نشدم که چه توهینی در این آیه وجود دارد! الله متعال، بدترین موجودات را کسانی می‌داند که کافر شدند و ایمان نیاوردند. آیا توقع دارید که خداوند کافران را بهترین موجودات و خیرالبریه معرفی کند؟!!

- ✓ کافران مثل حیوانی است که کسی در گوش او آواز کند و او جز بانگی و آوازی نشنود؛ اینان کرانند، لالانند، کورانند و هیچ درنمی‌یابند. سوره بقره آیه ۱۷۱

پاسخ: ابتدا باید گفت که «کافران» جمع بوده، اما «حیوان» مفرد است! هویداست که شبهه‌پرداز با زبان فارسی (که به احتمال بسیار زبان مادری اوست) کوچک‌ترین آشنایی ندارد!!

الله متعال می‌فرماید: «ومثل الذین کفروا کمثل الذی ینعق بما لا یسمع إلا دعاء ونداء صم بکم عمی فهم لا یعقلون» [۶]

یعنی: مثل (دعوت‌کننده) کسانی که کفر ورزیده‌اند هم‌چون مثل کسی است که آن‌ها را صدا بزند، ولی آن‌ها چیزی جز سروصدا نمی‌شنوند، (چون آن‌ها) کران و لالان و کورانند و لذا ایشان از روی خرد عمل نمی‌کنند و نمی‌فهمند.

پیش از این آرایه‌ی تشبیه را معرفی کردیم، بنابراین نیاز به تکرار نیست. در آیه‌ی قبلی آمده است که عده‌ای در پاسخ به دعوت قرآن، استدلالشان بر این پایه بوده است که «بل نتبع ما ألفینا علیه آباءنا» [۷]
یعنی: بلکه ما از آن‌چه پدران خود را بر آن یافته‌ایم، پیروی می‌کنیم (نه چیزی دیگر!)

آیا تفاوتی بین چنین اشخاصی (که تنها استدلالشان چنین بوده)، و بین افراد کر و لال یا افراد فاقد عقل وجود دارد؟!! بی‌شک تفاوتی نیست، جز آن‌که فرد فاقد عقل، مکلف نخواهد بود!!

✓ و آنان (کافران) چون چهارپایانند، بلکه اینان گمراه‌ترند، ایشان بی‌خبرند. سوره اعراف آیه ۱۷

پاسخ: بسیار حیف شد! زیرا آیه‌ی هفدهم از سوره‌ی اعراف به هیچ عنوان چنین مضمونی ندارد!!
خداوند در آیه‌ی هفدهم از این سوره می‌فرماید: «ثم لآتینهم من بین أیدیهم ومن خلفهم وعن أیمانهم وعن شمائلهم ولا تجد أکثرهم شاکرین» [۸]
یعنی: سپس از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپ به سراغ ایشان می‌روم و بیشتر آنان را (مؤمن به خود و) سپاس‌گزار نخواهی یافت.

✓ و همچون شتران مبتلا به بیماری عطش، از آن می‌آشامید. سوره واقعه آیه ۵

پاسخ: باز هم جناب شبهه‌پرداز به مخاطب آدرس اشتباه می‌دهد!!
آیه این‌چنین است: «وبست الجبال بسا» [۹]
یعنی: و کوه‌ها سخت درهم‌کوبیده می‌شوند و ریزه‌ریزه می‌گردند!

در واقع آیه‌ای که مد نظر شبهه‌پرداز بوده است، این آیه می‌باشد: «فشاربون شرب الهیم» [۱۰]
باید بدانیم که این آیه مربوط به زمان قیامت است، و اگر از آیه‌ی نخست شروع به خواندن کنیم، متوجه این مسأله خواهیم شد. شیخ سعدی (رحمه الله) نیز در تفسیر آیات ابتدایی این سوره می‌فرماید: «یخبر تعالی بحال الواقعة التی لا بد من وقوعها، وهی القیامة» [۱۱]
یعنی: خداوند از وضعیت واقعه‌ای خبر می‌دهد که شکی در وقوع آن نیست، و آن قیامت است.
همچنین وجه شبه این تشبیه نیز فرط تشنگی می‌باشد، یعنی مانند شتری که مبتلا به بیماری باشد، بسیار تشنه خواهند شد...

✓ همانا بدترین جنبندگان نزد الله کران و لالان هستند؛ آن‌هایی که نمی‌اندیشند. سوره انفال آیه ۲۲

پاسخ: کسانی که نمی‌اندیشند (از عقل استفاده نمی‌کنند) و به سخن گوش نمی‌دهند، بدترین جنبندگان می‌باشند. زیرا خداوند به آنان عقل و گوش داده است تا در جهت اطاعت از خداوند استفاده کنند، اما آن‌ها عقل خود را بی‌استفاده گذاشته‌اند. اشکال شما به این آیه چیست؟!

- ✓ و هنگامی که به آنان گفته شود: همانند (سایر) مردم ایمان بیاورید، می‌گویند: آیا هم‌چون ابلهان ایمان بیاوریم؟! بدانید این‌ها همان ابلهانند ولی نمی‌دانند..سوره بقره آیه ۱۳

پاسخ: در این آیه ذکر منافقین است، آنجا که به آن‌ها گفته می‌شود که مانند صحابه (رضی الله عنهم) ایمان بیاورید، اما منافقین صحابه را به زعم خود ابله می‌دانند!! خداوند در مقام دفاع از صحابه‌ی پیامبر (صلی الله علیه وسلم) می‌فرماید که ابلهان حقیقی شما هستید، اما نمی‌دانید.
البته این آیه که بیشتر دلالت بر توهین و فحاشی‌های منافقان دارد، پس چرا شبهه‌پرداز به آن استناد کرده است؟ معلوم نیست!!

سپس شبهه‌پرداز می‌گوید: پس تعجب نکنید که چرا مسلمانان بددهن هستند و توهین و فحاشی می‌کنند، چون الگوی آن‌ها کتاب قرآن است که پر از فحاشی‌ست...

پاسخ: این‌که مسلمانان بددهان و فحاش باشند، تنها افترای شبهه‌پرداز (هداه الله) می‌باشد...

سیدنا محمد (صلی الله علیه وسلم) فرموده‌اند: «لیس المؤمن بالطعان، ولا اللعان، ولا الفاحش، ولا البذیء» [۱۲]
یعنی: مؤمن، طعن‌زننده، لعن‌کننده، ناسزاگو و دشنام‌دهنده نیست.
شیخ البانی (رحمه الله) این حدیث را در سلسلة الأحاديث الصحيحة تصحیح کرده‌اند.

می‌گویم: بلکه صحابه‌ی پیامبر (صلی الله علیه وسلم)، ایشان را این‌گونه وصف کرده‌اند: «لم یکن النبی صلی الله علیه وسلم سبابا، ولا فحاشا، ولا لعانا» [۱۳]
یعنی: پیامبر (صلی الله علیه وسلم) سباب، فحاش و لعان نبود.

آری، مسلمانان حتی از سب باد نیز نهی شده‌اند [۱۴] و امام شافعی (رحمه الله) فرموده است: «ولا ينبغي لأحد أن يسب الرياح فإنها خلق لله تعالى مطيع ، وجند من أجناده يجعلها رحمة ونقمة إذا شاء» [۱۵]
یعنی: و برای کسی شایسته نیست که باد را ناسزا گوید، چرا که مخلوق مطیع خداوند بلندمرتبه و یکی از سربازان اوست که هر زمان بخواهد آن را به عنوان رحمت و نقمت قرار می‌دهد.

با وجود این احادیث صحیح و نیکو، شایسته نیست که شخص مسلمان فحاش و بددهان باشد. خداوند زمانی که موسی (علیه السلام) را به نزد فرعون فرستاد، این چنین به او دستور داد: «فقولا له قولا لینا لعله یتذکر أو یخشی» [۱۶]
یعنی: سپس به نرمی با او سخن بگویید، شاید (غفلت خود و عظمت خدا را) یاد کند و (از عاقبت کفر و طغیان خویش و عذاب دوزخ) بهراسد.

درنتیجه مسلمانان، و مخصوصا دعوتگران باید دعوتشان در سایه‌ی قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه وسلم) باشد، و از جدل و ریا به خدا پناه می‌بریم ...

وآخر دعوانا أن الحمدلله رب العالمین
کتبه أخوکم: محمد الکـــوردی

پی نوشت:
[۱] الأنبیاء، آیة ۶۷
[۲] الإسراء، آیة ۲۳
[۳] التفسیر الکبیر، أبوعبدالله محمد بن عمر بن الحسن التمیمی الرازی، دار إحیاء التراث العربی، ج ۲۲، ص ۱۵۷
[۴] البلاغه ۱– البیان والبدیع، جامعة المدینة العالمیة، ص ۳۶
[۵] المدثر، آیة ۵۱
[۶] البقره، آیة ۱۷۱
[۷] البقره، آیة ۱۷۰
[۸] الأعراف، آیة ۱۷
[۹] الواقعه، آیة ۵
[۱۰] الواقعه، آیة ۵۵
[۱۱] تیسیر الکریم الرحمن، عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله السعدی، مؤسسة الرسالة، ص ۸۳۲
[۱۲] المستدرک علی الصحیحین، أبوعبدالله محمد بن عبد الله الحاکم النیسابوری، دار المعرفة، ج ۱، ص ۱۶۰
[۱۳] صحیح البخاری، أبوعبدالله محمد بن إسماعیل البخاری، دار طوق النجاة، ج ۸، ص ۱۳
[۱۴] سنن الترمذی، أبوعیسی محمد بن عیسی بن سورة الترمذی، ج ۴، ص ۴۵۱
[۱۵] المجموع شرح المهذب، أبوزکریا یحیی بن شرف النووی، مطبعة المنیریة، ج ۵، ص ۹۱
[۱۶] طه، آیة ۴۴